اشاره

خانواده دیرپاترین و مناسب‌ترین نهاد اجتماعی در تاریخ زندگی انسان بر روی کره خاکی است، که همواره بار رویش، پرورش و تداوم نسل انسانی را بر دوش خود برداشته است. امروزه کمتر نظریه‌پرداز و متفکر اجتماعی را می‌توان سراغ گرفت که از ضرورت و اهمیت نهاد خانواده سخن نگوید. حتی نظریه‌پردازان فمینیست، که روزگاری با شدت و هیجان از برچیدن نهاد خانواده سخن می گفتند، اکنون به مدافعان خانواده تبدیل شده‌اند. بر اساس تحقیقات پردامنه و متنوع در حوزه‌های گوناگون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی، یکی از عوامل مهم اختلالات روان‌شناختی و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی، ناکارآمدی و کژکاری خانواده است. خانواده با پیوند یک مرد و یک زن آغاز شده و با پیدایش فرزندان، سیر پویایی، بالندگی و کمال خود را تداوم می‌بخشد. در فرهنگ‌های گوناگون، همواره اصلی‌ترین و شاید تنها صورت تشکیل خانواده، ازدواج رسمی بوده و هست؛ از این رو راه‌ها و شکل‌های جایگزینی که هر از گاه پدید می آید، ماندگار نبوده و مقبولیت عام نمی‌یابد. توجه خاص به نهاد خانواده و به تبع آن، پیوند ازدواج، در همه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، برخاسته از اهمیت این دو پدیده اجتماعی و نقش حساس و سرنوشت‌ساز آن در سلامت فرد و جامعه و استمرار و تکامل نسل انسانی است.پدیده ازدواج و خانواده مانند دیگر پدیده‌های انسانی ممکن است دچار نابسامانی‌ها و مشکلات گوناگونی شود. شناسایی، توصیف، تبیین و مطالعه راهبردها و راهکارهای مؤثر پیشگیری و درمان آسیب‌های موجود و اجتماعی، یکی از تکالیف همیشگی اندیشمندان و مصلحان اجتماعی است. در نوشتار حاضر به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از عوامل آسیب‌زایی که امروزه نهاد خانواده و پیوند شکوهمند ازدواج در جامعه ما را دستخوش بحران و آسیب جدی کرده است،اشاره و با واکاوی عناصر و عوامل دخیل و تبیین پیامدهای زیان‌بار آن، به پاره‌ای از راهکارهای رفع آسیب‌ها و ترمیم زخم‌های پدیدآمده بر پیکر جامعه پرداخته شده است.

آسیب‌هایی که فضای مجازی به فضای حقیقی وارد می‌کند

نقش شبکه‌های اجتماعی در بی‌رغبتی جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده

احمدرضا دردشتی

ازدواج و تشکیل خانواده در فرهنگ اسلامی و ایرانی ما جایگاه ارجمند و بلندی دارد. شاید بتوان ادعا کرد که یکی از مهم‌ترین و بلکه مهم‌ترین و رویایی‌ترین آرزوی هرنوجوان و جوانی، رسیدن به وضعیتی است که بتواند با انتخاب همسر، تحول عمیق و گسترده‌ای در زندگی خود پدید آورد و از مواهب آن برخوردار شود. نیاز به همسر و شوق به پیوند ازدواج، نیازی فطری و شوقی اصیل در سازمان روانی انسان‌هاست. وجود صدها رسم و آداب اجتماعی برای مراحل مختلف ازدواج، از اهمیت آن در زندگی انسان‌ها حکایت می‌کند. موضوع ازدواج و تشکیل خانواده در فرهنگ اسلامی، مرتبتی بس شکوهمند و ستوده دارد؛ تا جایی که پیشوایان دین ازدواج را سودمندترین نعمت پس از ایمان به خدا و زمینه‌ساز حصول نیم یا دوسوم دینداری دانسته و بنیان خانواده را محبوب‌ترین بنیان در نزد خداوند معرفی کرده‌اند. اسلام دین فطرت است و آموزه‌های آن در همه سطوح و ابعاد، هماهنگ و سازگار با سرشت انسانی است. رسالت دین، تربیت انسان صالح و پرورش استعدادهای او در جهت کمال معنوی و اخلاقی و رساندن او به اوج سعادت حقیقی است و این امر جزء با توجه به ساختار وجودی او و تأمین زیرساخت‌های مادی و معنوی آن میسر نمی‌شود. از نگاه اسلام، بنیان مقدس خانواده اصلی‌ترین و مؤثرترین زیرساخت مادی و معنوی تربیت فرد سالم و شایسته و به دنبال آن، ساختن جامعه سالم و صالح است. ازاین‌رو بخش قابل توجه و برجسته‌ای از احکام فقهی، توصیه‌های اخلاقی ـ تربیتی و مباحث معرفتی قرآن کریم و سنت و سیرت پیامبر و امامان اهل‌بیت ـ علیهم‌السلام ـ به موضوع ازدواج و خانواده اختصاص دارد.

فرهنگ غنی اسلامی ـ ایرانی، به مثابه ذخیره‌ای راهبردی، مجموعهٔ متنوع و متکثری از تبیین‌ها، تحلیل‌ها و توصیه‌ها را درباره ابعاد گوناگون پدیده‌های مهم و انسانی ازدواج و خانواده در برگرفته است که ارجاع مداوم به آن و بهره‌جستن از تعالیم ارزشمند آن ضرورتی عقلانی و سودمند برای همه نسل‌های کنونی و آینده است. از سویی تحولات گسترده و عمیق در ساحت زندگی بشر در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و فکری و تزلزل در بنیان‌های معنوی و اخلاقی و از دیگر سو رشد حیرت‌آور فناوری‌های رسانه‌ای، سبک زندگی انسان‌ها را عمیقاً متأثر ساخته است. ظهور نسل‌های جدید فناوری رایانه‌ای و موبایلی و پیدایش ظرفیت‌ها و زمینه‌های جدید، ارتباط‌های انسانی را بسیار آسان و گسترده کرده است. این زمینه‌ها و ظرفیت‌ها در کنار آثار مثبتی که می‌تواند بالقوه برای رشد، پویایی و تکامل مناسبات انسانی داشته باشد، پیامدهای ویرانگر و جبران‌ناپذیری را به مناسبات انسانی و سلامت روانی، اخلاقی، معنوی، و اجتماعی وارد ساخته و می‌سازد. براساس تحقیقات متعددی که از سوی مراکز مختلف صورت گرفته است، حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی جزء مهم‌ترین عوامل آسیب‌هایی مثل طلاق، خیانت، تجاوز به عنف و برخی دیگر از آسیب‌های اجتماعی است. متأسفانه در سال‌های اخیر در کشور ما، نرخ ازدواج سیر نزولی و پدیده طلاق و خیانت، سیر صعودی داشته است؛ بسیاری از جوانان (خصوصا پسران) شوق و رغبتی برای ازدواج نداشته و ترجیح می‌دهند نیازهای جنسی و عاطفی خود را از راه‌های دیگر، به ویژه از راه پرسه‌زدن‌ها، دوستی‌ها و روابط مجازی در شبکه‌های اجتماعی، تأمین کنند.

مسائل گوناگونی بر این واقعیت تلخ اجتماعی دلالت می‌کند که از میان آن می‌توان به کاهش نرخ ازدواج، افزایش روابط خارج از چارچوب دختر و پسر، بالا رفتن سن ازدواج، به ویژه در میان دختران، افزایش طلاق عاطفی و طلاق‌های حقوقی، کاهش نرخ باروری و رشد جمعیت نام برد. این علائم و دلائل، بسیار نگران‌کننده و حاکی از معضلی است که اگر برای آن فکری نکنیم و برای پیش‌گیری و درمان آن، در قامت مسئله‌ای ملی، چاره‌اندیشی و چاره‌جویی نشود، به بحرانی عمیق، گسترده و خطرناک تبدیل خواهد شد. مسئله بی‌رغبتی جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده آنچنان گسترده و آشکار است که حتی بدون نیاز به تحقیقات آماری و به صورت تجربه فردی هم می‌توان آثار و جلوه‌های آن را در اطراف خود مشاهده کرد.

بنابراین، هم از خاستگاه مسئولیت دینی و مدنی در برابر مسائل اجتماعی و هم از لحاظ توجه به منافع ملی، تبیین علل و عوامل این مسئله و نیز اندیشیدن درباره راهکارهای پیش‌گیری و درمان آن، خصوصاً با تکیه بر منابع ملی، دینی و فرهنگی بومی، لازم و اجتناب‌ناپذیر است. در ادامه این نوشتار نخست به تبیین برخی از علل و عوامل‌گریز جوانان از ازدواج و پناه بردن به دوستی‌های مجازی، می‌پردازیم؛ سپس به پاره‌ای از پیامدهای این معضل و در پایان به برخی از راهبردها و راهکارهای ضروری برای پیش‌گیری و درمان آن اشاره خواهیم کرد.

علل گرایش جوانان به دوستی در شبکه‌های مجازی

برای تبیین جامع و دقیق پدیده گرایش به شبکه‌های اجتماعی باید به همه علل و عوامل و زمینه‌های این پدیده توجه کنیم. برخی از این علل و انگیزه‌ها، سالم و در جهت تکامل اجتماعی افراد است؛ اما پاره‌ای دیگر از انگیزه‌ها و رفتارها در این عرصه، مرضی و ناسالم به شمار می‌رود. انسان موجودی اجتماعی و در حال تکامل است. یکی از مهم‌ترین انگیزه‌ها و نیازهای انسان‌ها، انگیزه و نیاز به پیشرفت است. تأمین نیاز به پیشرفت، خود نیازمند فراهم شدن و بهره‌جستن از زمینه‌ها، مهارت‌ها و ابزارهای لازم برای ارضای این نیاز است. استفاده از شبکه‌های مجازی، دسترسی آسان به اطلاعات در گردش، فرصت ابراز وجود، تقویت و تحکیم پیوندهای اجتماعی، به اشتراک نهادن نظرات، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها و آشنایی با نگرش‌ها و دیدگاه‌های دیگران را میسر می‌کند. مضاف بر اینکه می‌تواند به تداوم پیوندهای گذشته در فضای کم‌هزینه و شتابان شبکه‌های مجازی یاری رساند.

از این‌رو حضور هدفمند، مدیریت شده و مبتنی بر آگاهی از ظرفیت‌ها، مختصات و زمینه‌های سالم شبکه‌های مجازی، در کنار آگاهی و حساسیت نسبت به زمینه‌های آسیب‌زا و زیان‌های احتمالی آن، شرایط مناسبی را برای استفاده بهینه از این ابزار مدرن فراهم می‌کند.

متأسفانه اکثر کسانی که از این تکنولوژی‌ها استفاده می‌کنند با فرهنگ صحیح استفاده از آن آشنا نبوده و از پیش ملتزم به مراقبت از خود در برابر آسیب‌های احتمالی آن نیستند. در این میان بسیاری از افرادی که به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی وارد می‌شوند، آگاهی ندارند که انگیزه‌های آنان برای‌اشتراک در این فضا، انگیزه‌های سالم و معطوف به رشد و تکامل فردی و اجتماعی نیست و نه تنها موجب رشد اجتماعی، علمی و شخصیتی آنها نمی‌شود، بلکه فرصت‌های مناسب و فراوان سالمی را هم از آنها می‌ستاند.

در اینجا به مهم‌ترین علل مرضی گرایش افراطی به شبکه‌ها اجتماعی که سبب افزایش بیماری‌های روانی و شخصیتی افراد می‌شود و آنان را به رفتارهای نابهنجار (و از جمله دوستی‌های نامناسب و آسیب‌زننده مجازی) سوق می‌دهد،اشاره می‌کنیم:

***شبکه‌های مجازی محیط مطلوب افراد با اعتماد به نفس پایین**

برخی از افراد به سبب شرایط تربیتی، از عزت نفس مطلوب و اعتماد به نفس کافی محروم‌اند و این امر مشکلات زیادی را در عرصه تعاملات اجتماعی برایشان ایجاد می‌کند. حضور مؤثر و کامیاب‌کننده در فعالیت‌های اجتماعی و ابراز وجود، نیازمند شخصیتی باثبات، عزت نفس مطلوب و اعتماد به نفس بالاست. از آنجا که صحنه روابط مجازی واشتراک در گروه‌های اجتماعی کم‌خطر، کم‌هزینه و بی‌نیاز از لوازم حضور در ارتباط‌های واقعی به نظر می‌رسد، زمینه مناسبی برای ابراز وجود چنین افرادی تلقی می‌شود. این افراد ممکن است با پناه بردن به شبکه‌های اجتماعی و از طریق ابراز وجود در گروه‌های اجتماعی، کوشش کنند تا مشکل خود را کاهش دهند. چنین افرادی بیش از افراد با عزت نفس و اعتماد به نفس کافی، در معرض ورود به روابط عاطفی ـ جنسی در فضای مجازی هستند. زیرا ارتباط با جنس مخالف، در وضعیت‌های واقعی، نیازمند سطح مطلوبی از خودپنداره مثبت، عزت نفس بالا، جرأت‌ورزی و اعتماد به نفس است. کسانی که در این زمینه‌های شخصیتی و روان‌شناختی مشکل و کاستی دارند، معمولاً از ورود به روابط واقعی می‌ترسند و خود را شایسته و لایق دوست‌داشته‌شدن نمی‌بینند. چنین افرادی معمولاً خود را جذاب و دوست‌داشتنی و مرغوب تصور نمی‌کنند و به همین سبب از وارد شدن در ارتباط‌های واقعی می‌پرهیزند. این گروه از افراد، غالباً در مواجهه با جنس مخالف، دست‌پاچه شده و دچار ترس، اضطراب، خودکم‌بینی و تردید می‌شوند. علائم بدنی این افراد را می‌توان در افزایش ضربان قلب، سرخ‌شدن صورت، اختلال در حس بینایی، لکنت زبان، لرزش دست و پا، احساس خالی شدن دل و... مشاهده کرد. مختصات فضای مجازی موجب سوق‌یافتن آنها به سوی آن می‌شود و آن را فضایی مطمئن و قابل اعتماد برای ارتباط با جنس مخالف ارزیابی می‌کنند. زیرا ارتباط‌های مجازی، نیازمند آمادگی‌های شخصیتی و جذابیت‌های جسمی و جاذبه‌های اجتماعی نیست؛ مضاف بر اینکه افراد می‌توانند من واقعی خود را پنهان کرده و خود را بسیار بهتر و جذاب‌تر از آنچه هستند، نمایش دهند.

ارتباط‌های مجازی، هرچند به صورت موقت و کوتاه، عزت نفس آنها را کاذبانه بالا می‌برد و احساس اقتدار، جذابیت را برای آنها پدید می‌آورد؛ اما این امر، در حقیقت، سرپوش نهادن بر واقعیت‌ها و اختلال‌هایی است که عمیقاً نیازمند درمان روان‌شناختی است و مسکن ارتباط‌های مجازی، هرگز آن را برطرف نمی‌کند؛ بلکه تنها آثار و پیامدهای آن را به تعویق می‌اندازد. این افراد اگرچه ممکن است در فضای مجازی، احساس آرامش، بزرگی، اقتدار و مهم بودن داشته باشند، اما کم‌کم به این دوستی‌ها وابسته می‌شوند و علاوه بر غفلت از درمان روانی و شخصیتی خود، آرام‌آرام به شخصیتی دو لایه تبدیل می‌شوند. دوستی‌های این افراد، معمولا کوتاه، ناقص و ناکام است و هرگز به رابطه‌های واقعی، کامیاب‌کننده و سازنده منتهی نمی‌شود. همین امر، ممکن است مشکل دیگری به نام هرزگی ارتباطی را برای آنها ایجاد کند و شدیداً به آشفتگی‌های روانی آنان دامن زند.

***حضور پررنگ جوانان پشت خط ازدواج در شبکه‌های مجازی**

گروه دیگری که ممکن است با انگیزه‌های نادرست به شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی روی آورند، دختران و پسرانی هستند که امکانات، فرصت‌ها و زمینه‌های لازم برای ازدواج در موعد مناسب را در اختیار ندارند و از معطل‌ماندن نیازهای جنسی - عاطفی خود رنج می‌برند. نیاز جنسی و عاطفی، بخشی از نیازهای واقعی و مهم در سازمان روانی ماست که باید در وقت مناسب و به شیوه‌های مؤثر و معقول، تأمین شود. امروزه عوامل گوناگونی سبب شده است که جوانان نتوانند در وقت مناسب، نیازهای خود را از راه صحیح (ازدواج) تأمین کنند؛ عواملی از قبیل، طولانی‌بودن دوران تحصیل، فقدان شغل، فقدان درآمد کافی و هزینه‌های سرسام‌آور ازدواج، کمال‌گرایی در انتخاب همسر، انتظارهای متنوع و متکثر غیرواقع‌بینانه و احیاناً غیرمنطقی، علاقه‌های پنهان، ارتباط‌های پنهانی طولانی‌مدت، آداب و رسوم دست و پاگیر، دخالت‌های غیرمنطقی برخی از خانواده‌ها، تنها پاره‌ای از این علل و عوامل است. در چنین وضعیتی برخی از جوانان، فضای مجازی را طریق مناسب و آسانی برای تأمین نسبی‌نیازهای عاطفی و جنسی خود تلقی کرده و به این فضا، به عنوان مسکنی برای کاهش رنج‌ها و فشارهای ناشی از نیازها روی می‌آورند.

بدیهی است که ارتباط‌های مجازی، تنها در قالب مسکن‌های کوتاه مدت و کم اثر، عمل کرده و هرگز نیازهای عمیق و انسانی جوانان را به خوبی و کمال تأمین نمی‌کند؛ بلکه حتی ارضای صحیح آن را به تأخیر انداخته و منحرف می‌کند. ارتباط‌های پنهان مجازی، به تماشای فوتبال از رادیو می‌ماند که صرفاً برانگیختگی و احساس تشنگی عاطفی ـ جنسی آنها را تشدید می‌کند؛ اما هرگز به ارضای کامل آن نمی‌انجامد. هنگامی که برانگیختن‌های مکرر و متراکم به ارضای کامل و رضایت‌بخش، منتهی نشود، سبب پیدایش افسردگی، اضطراب، خستگی روانی، ناامیدی و دلسردی شده و انگیزه‌های مثبت فرد را تحلیل می‌برد. این وضعیت آزاردهنده به طور حتم بر مسئله ازدواج و انگیزه همسرخواهی افراد تأثیر گذاشته و شوق، امید و تلاش برای فراهم آوردن زمینه‌ها و لوازم آن را کاهش می‌دهد. مضاف بر اینکه اعتیاد و وابستگی به روابط مجازی و ارضای ناقص نیازها در ارتباط‌های متنوع، زمینه روانی گرایش به ازدواج و محدود شدن روابط به یک رابطه طولانی مدت را به شدت تقلیل می‌دهد.

***درگیرشدن روانی و ذهنی به روابط کم هزینه و وسوسه‌انگیز مجازی**

برخی از جوانان با انگیزه‌های مثبت و درستی به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی وارد می‌شوند؛ اما ویژگی‌های دوران جوانی، تجربه ناکافی برای مدیریت هیجان‌ها و نیز مختصات فریبنده فضای مجازی، به تدریج آنها را به سوی روابط عاطفی ـ جنسی سوق می‌دهد؛ درگیرشدن روانی و ذهنی به روابط کم هزینه و وسوسه‌انگیز مجازی، خود از عواملی است که انگیزه و شوق نسبت به ازدواج پرهزینه و مسئولیت‌آور را تضعیف می‌کند. یکی از پیامدهای روابط مجازی، تحریک نامعقول و تشدید خیال‌پردازی‌های جنسی و عاطفی است. افرادی که وارد روابط جنسی - عاطفی در شبکه‌های اجتماعی می‌شوند، ممکن است به خیال‌زدگی گرفتار شده و کم‌کم از دنیای واقعی و واقعیت‌های زندگی فاصله بگیرند. این افراد ساعت‌های زیادی را صرف گفت‌وگو، لایک واشتراک در گروه‌های مختلف و دلبری کردن‌های کوتاه با دختران و پسران متعدد صرف می‌کنند و در اوقات دیگر هم ذهن و روان‌شان همچنان درگیر مسائل مربوط به فضای مجازی است. فرد خیال‌زده و گسسته از واقعیت‌های زندگی، به مسائل مهم زندگی و از جمله ازدواج و تشکیل خانواده کم‌تر فکر می‌کند و فرصت تفکر، مطالعه، تحقیق، برنامه‌ریزی، هدفگذاری و اتخاذ تصمیم‌های مناسب از او ستانده می‌شود. افزون بر این دوستی‌های پنهانی در فضای مجازی، خصوصا برای دختران، پیامد منفی دیگری را هم به همراه دارد. انگیزه اصلی دختران برای ورود در روابط عاطفی با پسران ازدواج است. دختران معمولا از دوستی‌ها و ابراز علاقه‌های پسران فریب می‌خورند و با سرعت به رابطه وابسته شده و طرف مقابل را بهترین گزینه برای انتخاب همسر می‌پندارند. خیال‌پردازی‌های غیرواقع‌بینانه و بی‌توجهی به ملاک‌های صحیح، بی‌اعتنایی به عوامل مهمی مانند شناخت درست و کافی از شخصیت، خانواده و وضعیت اجتماعی پسر مورد علاقه و نیز موانع احتمالی، از قبیل مخالفت خانواده، فراهم نبودن لوازم و زمینه‌های ازدواج و... سبب می‌شود که به فرد دیگری نیاندیشند و با بهانه‌های مختلف خواستگارهایی که احیاناً از راه‌های دیگر به آنها معرفی می‌شوند را نپذیرند و فرصت‌های ازدواج مناسب را از دست بدهند.

***عده ای از جوانان با انگیزه‌های مثبت و درستی به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی وارد می‌شوند؛ اما ویژگی‌های دوران جوانی، تجربه ناکافی برای مدیریت هیجان‌ها و نیز مختصات فریبنده فضای مجازی، به تدریج آن‌ها را به سوی روابط عاطفی ـ جنسی سوق می‌دهد؛ درگیرشدن روانی و ذهنی به روابط کم هزینه و وسوسه‌انگیز مجازی، خود از عواملی است که انگیزه و شوق نسبت به ازدواج پرهزینه و مسئولیت‌آور را تضعیف می‌کند.**

***حضور افراد متأهل در شبکه‌های مجازی برای رفع نیازهای تأمین نشده در خانواده**

متأسفانه و غمگینانه باید بگوییم که حتی بسیاری از زنان و مردان متأهل هم به فضای مجازی و هرزه‌گردی در شبکه‌های اجتماعی و گروه‌های مختلف به عنوان جایگزین منابع تأمین نیازهای جنسی - عاطفی و برآوردن انتظارات تأمین‌نشده در رابطه با همسر می‌نگرند. این گونه همسران به جای حل مشکلات ارتباطی خود و تلاش برای ارتقاء بهداشت روانی و اخلاقی در زندگی مشترک، به دوستی‌های پنهان در فضای مجازی متوسل شده و از این طریق در صدد جست‌وجوی رضامندی، آرامش و عشق هستند، غافل از آنکه این امر نه تنها خواسته‌ها، نیازها و انتظارات آنان را تأمین نمی‌کند، بلکه مشکلات روانی، اجتماعی و اخلاقی فراوانی را برای آنها به وجود می‌آورد. امروزه مهم‌ترین زمینه خیانت‌های زشت و آزاردهنده از سوی زنان و مردان جامعه در همین فضای مجازی قابل مشاهده است. طبیعتا چنین روابطی با احتمال بسیار زیاد به فروپاشی تدریجی یا ناگهانی زندگی‌های مشترک می‌انجامد. ضمن اینکه خیانت هریک از همسران و متعاقب آن فروپاشی خانواده، زمینه‌های فکری و انگیزشی ازدواج مجدد را برای همسرانی که از خیانت همسر آسیب دیده‌اند، به شدت کاهش می‌دهد. مضاف بر اینکه شیوع خیانت به همسر در جامعه احساس بدبینی به زندگی مشترک را در پی دارد و این امر خود به کاهش انگیزه و میل به ازدواج در میان جوانان منجر می‌شود. نگارنده در مشاوره‌های خود با جوانان زیادی گفت‌وگو کرده‌ام که با تردید و نگرانی جدی به موضوع ازدواج می‌نگرند، و پاره‌ای از دلائل خود را به کاهش وفاداری و عفت‌ورزی در میان مردم نسبت به زندگی مشترک ربط می‌دهند.

پیامدهای گرایش جوانان به دوستی‌های مجازی

بدون تردید، ورود به فضای مجازی و اشتراک در ارتباط‌های اجتماعی، اگر با مدیریت صحیح زمان، اهداف، تصمیم‌ها و هیجان‌ها، و رعایت حدود و چارچوب‌های اخلاقی، دینی و فرهنگی و مراقبت از ابتلا به آسیب‌های احتمالی صورت گیرد، می‌تواند زمینه مناسبی را برای رشد اجتماعی و علمی و بستری برای توسعه آگاهی‌های سودمند فردی و اجتماعی فراهم کند. متأسفانه از آنجا که امکانات و ظرفیت‌های تکنولوژیک، به خصوص در عرصه ابزارهای ارتباطی، بدون مقدمه و با سرعت زیادی در محیط اجتماعی ما پیدا می‌شود و زمینه‌سازی‌های فرهنگی و آموزش مهارت‌های لازم برای استفاده درست و سازنده از آنها صورت نمی‌گیرد، آسیب‌ها و زیان‌های فراوانی را به فرد و جامعه وارد کرده و می‌کند. در اینجا قصد نداریم به همه آسیب‌های کنونی و احتمالی شبکه‌های مجازی بپردازیم؛ بلکه تنها به پاره‌ای از آثار و پیامدهای بالفعل و بالقوه آن نسبت به نهاد ازدواج و خانواده اشاره می‌کنیم:

۱- تضعیف بنیان‌های معنوی ـ اخلاقی فرد و جامعه

یکی از پیامدهای منفی گرایش افراطی به شبکه‌های مجازی، تضعیف بنیان‌های معنوی ـ اخلاقی فرد و جامعه و کاهش خود مهارگری و تقوای فردی و جمعی است. مهارت خویشتن‌داری و مدیریت هیجان، که در ادبیات دینی از آن به تقوا و ورع نام می‌برند، از مهم‌ترین مهارت‌های زندگی سالم و شایسته است. انسان نیازهای فراوان و گوناگونی دارد که باید در چارچوب اخلاق، دین، قانون و آداب مقبول اجتماعی ارضا شود. روان‌شناسان معمولا منابع انگیزش و کنترل روانی را به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می‌کنند. اکثر انسان‌ها برای خویشتن‌داری و پرهیز از انجام رفتارهای نابهنجار، و نیز انگیزش به سوی رفتارهای مثبت و سازنده، نیازمند منابع انگیزشی و کنترلی بیرونی هستند. شمار کمی از افراد، با تکیه بر منابع معرفتی، اخلاقی و تربیت درونی، در برابر غرائز درونی و محرک‌های محیطی نامناسب، به خویشتن‌داری قادرند و برای انگیزش به سمت مسائل مطلوب به خود متکی هستند. ازاین‌رو هم در آموزه‌های دینی و هم در توصیه‌های تربیتی و روان‌شناختی همواره تأکید می‌شود که انسان‌ها تا حد ممکن از قرارگرفتن در وضعیت‌های نامناسب تحریک‌کننده، پرهیز کنند؛ زیرا محرک‌های محیطی می‌تواند سطح خودمهارگری افراد را به شدت کاهش دهد و اگر هم به رفتارهای نابهنجار و گناه منتهی نشود، دست کم آرامش روانی و جهت‌گیری‌های فکری و انگیزشی آنها را دست خوش آشفتگی و بی‌قراری گرداند. بنابراین، تبیین و توجیه توصیه‌ها و قوانینی که در فقه و اخلاق اسلامی نسبت به ارتباط با نامحرم وضع شده، با هدف ایجاد محدودیت برای انسان‌ها نیست؛ بلکه هدف از آن ایجاد زمینه مناسب روانی برای سلامت و آرامش، پویایی معنوی، حفظ و تحکیم باورها، انگیزه‌ها و رفتارهای اخلاقی مثبت، مصرف بهینه و مطلوب انرژی‌ها و مراقبت از نهاد خانواده است. فضای مجازی به سبب خصلت ذاتی و مختصات ماهوی‌اش، زمینه مناسبی برای درگیرشدن در ارتباط‌های زیان‌بار عاطفی ـ جنسی است. ناشناخته ماندن، کم هزینه بودن، وجود عایق‌های امنیتی، بی‌نیازی از اعتماد به نفس و جرأت‌ورزی (که در ارتباط‌های واقعی مهم و مؤثر است)، امکان فریب‌کاری و اظهار اطلاعات نادرست و غیره، گرفتارآمدن در شبکه‌ای از رفتارهای نابهنجار عاطفی - جنسی را آسان می‌کند.

۲- هدر رفتن انرژی‌های جنسی ـ عاطفی در فضای مجازی

در فضای مجازی، افراد به یکباره تغییر نگرش و رفتار نمی‌دهند؛ بلکه تغییر و دگرگونی آرام‌آرام و به تدریج صورت می‌گیرد. عادی‌شدن روابط جنسی در فضای مجازی هم‌پای سست شدن باورها و نگرش‌های دینی و منابع کنترل درونی اخلاقی روی می‌دهد. دگرگونی در باورها و ارزش‌های دینی و اعتیاد به رفتارهای مغایر با معیارهای اخلاقی و مذهبی، شخصیت نوجوان و جوان را تحت تأثیر قرار داده و ایمان مذهبی و پایگاه‌های اخلاقی او را از بین می‌برد و این امر به خودی خود موجب تغییر در برنامه‌ها، اهداف، تصمیم‌ها و انتخاب‌های او می‌شود. نیاز جنسی ـ عاطفی در دوران نوجوانی و جوانی، از مهم‌ترین و محسوس‌ترین نیازهای افراد است. این نیاز و امیال برخاسته از آن با این هدف حکیمانه در وجود انسان‌ها نهاده شده است که مرد و زن را به سوی یکدیگر جذب کرده و زمینه ازدواج و تشکیل خانواده را فراهم کند. متأسفانه فقدان مدیریت هدفمند و هوشیارانه نیازها و امیال، و رهاسازی آن می‌تواند آسیب‌های جدی و سخت‌جبرانی را به سازمان روانی و شخصیت افراد، خصوصا دختران و زنان وارد می‌کند. طرح حکیمانه اسلام و توصیه‌های روان‌شناسان این است که انرژی جنسی - عاطفی، به مثابه ذخیره‌ای استراتژیک، به صورت متراکم و یکجا در موضوع ازدواج مصرف شود. ازاین‌رو هرگونه رابطه جنسی ـ عاطفی و نیز هررفتاری که به مصرف انرژی جنسی به صورت هرز، پراکنده و نامقبول بیانجامد، ممنوع شده و حتی برای آن مجازات و تنبیه در نظر گرفته شده است. مصرف انرژی‌های جنسی ـ عاطفی در فضای مجازی موجب هدررفتن و پراکندگی آن در موضوعات متعدد عاطفی شده و ضمن ایجاد اعتیاد و عطش کاذب نسبت به برقراری ارتباط با افراد متعدد، رغبت افراد نسبت به ازدواج را کاهش می‌دهد.

نیاز جنسی را می‌توان به دیگر نیازهای زیستی و روان‌شناختی تشبیه کرد؛ بدن انسان هنگامی از غذا بهره کامل و سالم می‌برد که اولاً احساس گرسنگی کاملاً محسوس و واقعی باشد؛ ثانیاً انسان از غذای سالم و مفید بخورد و ثالثاً یکجا و یکباره غذا بخورد و از پراکنده خوری و هرزه‌خواری بپرهیزد؛ هم به تجربه ثابت شده و هم توصیه‌های پزشکی بر این نکته تأکید می‌کند که تغذیه سالم در گرو رعایت شرایط سه‌گانه بالاست. نیاز جنسی هم در صورتی به سلامت روانی، شادابی و نشاط و تقویت عشق، صمیمیت و معنای زندگی یاری می‌رساند که در اوج احساس نیاز به همسر، و تنها از طریق ازدواج عاقلانه و سالم انجام گیرد. ورود در ارتباط‌های متعدد جنسی - عاطفی به هرزرفتن انرژی‌های مفید جنسی و عاطفی منجر شده و انگیزه مثبت فرد برای ازدواج را کاهش می‌دهد. این نکته حائز اهمیت است که بدانیم تقریبا تمامی ارتباط‌های زن و مرد، با هربهانه و به هردلیلی موجه یا ناموجهی، با واسطه‌گری انگیزه‌ها و انرژی‌های جنسی ـ عاطفی صورت می‌گیرد و انکار این امر یا توجیه روابط غیرضروری، واقعیت را تغییر نمی‌دهد. بسیاری از افراد تلاش می‌کنند تا ارتباط با جنس مخالف را به صورت‌های گوناگون توجیه کرده و خود را از متأثربودن از انگیزه‌های جنسی در این گونه ارتباط‌ها مبرا بدانند. اما به خوبی روشن است که این محمل‌ها و توجیه‌ها، واقعیت انگیزه‌های ارتباطی با جنس مخالف را تغییر نمی‌دهد، بلکه نوعی خودفریبی و فریبکاری پنهان و آرام را در پی دارد.

۳- ایجاد تدریجی احساس بدبینی به جنس مخالف در فضای مجازی

دیگر پیامدی که به دنبال ارتباط‌های عاطفی ـ جنسی مجازی ایجاد می‌شود، احساس بدبینی به جنس مخالف است. از آنجا که مختصات فضای مجازی، از سویی ورود نامحسوس و آرام به رابطه عاطفی ـ جنسی و اعتیاد به هوسبازی‌های کوتاه و دلبری کردن‌های مکرر با جنس مخالف را تسهیل می‌کند و از دیگرسو چنین روابطی اکثراً

***برخی از جوانان، فضای مجازی را طریق مناسب و آسانی برای تأمین نسبی نیازهای عاطفی و جنسی خود تلقی کرده و به این فضا، به عنوان مسکنی برای کاهش رنج‌ها و فشارهای ناشی از نیازها روی می‌آورند.بدیهی است که ارتباط‌های مجازی، تنها در قالب مسکن‌های کوتاه مدت و کم اثر، عمل کرده و هرگز نیازهای عمیق و انسانی جوانان را به خوبی و کمال تأمین نمی‌کند؛ بلکه حتی ارضای صحیح آن را به تأخیر انداخته و منحرف می‌کند.**

پایدار نبوده و به سرانجام مشخصی نمی‌رسد، کم‌کم احساس بدبینی را در ذهن پسران نسبت به دختران و بالعکس پدید می‌آورد. روان‌بنه‌های شناختی پسران آرام‌آرام از دختران موجوداتی شدیداً احساسی، نادان، ساده‌لوح، بی‌وفا و فرصت‌طلب می‌سازد و دختران نیز پسران را موجوداتی دروغگو، بی‌وفا، خائن، غیرقابل اعتماد و خودخواه می‌یابند. مسلماً این نگرش‌ها به یکباره پدید نمی‌آید؛ اما وقتی به طور مداوم و مکرر تجربه می‌شود، به تدریج ذهنیتی منفی از جنس مخالف در ذهن و دل فرد جای می‌گیرد و از علاقه، انگیزه و تصمیم او برای ازدواج و رفتن به سوی زندگی مشترک می‌کاهد. نگارنده در مشاوره‌های متعددی که با بسیاری از دختران و پسران داشته‌ام، چنین نگرش‌هایی را به وضوح مشاهده کرده‌ام. البته این نگرش منفی نسبت به جنس مخالف به همین جا محدود نمی‌ماند و آثار خود را در وضعیت‌های پس از ازدواج نیز به طور محسوسی نشان می‌دهد. دختران و پسرانی که پیش از ازدواج، تجربه‌های مکرر ارتباطی داشته‌اند، پس از ازدواج، حتی اگر با دوست خود هم ازدواج نکنند، به آسانی نمی‌توانند به همسرشان اعتماد کنند و همواره نگران خیانت همسرند و رفتارهای نابهنجار ارتباطی را از سوی همسر انتظار می‌کشند. این افراد همواره به شریک زندگی خود مشکوک‌اند و نسبت به رفتارهای او حساسیت بیش از حد احساس می‌کنند. چنین افرادی معمولا با توجه به پس‌زمینه‌های ذهنی، رفتارهای مشکوک همسر را به رفتارها و انگیزه‌های جنسی - عاطفی نسبت به غیرهمسر حمل می‌کنند و به همین سبب، نگرانی و نارضامندی مداوم و آزاردهنده‌ای بر روان آنها سنگینی می‌کند. مضاف بر اینکه زمینه مقایسه‌کردن مستمر همسر خود با دیگران در میان چنین افرادی شیوع بسیار دارد و این خود به آشفتگی در انتظارات و خواسته‌های آنها از زندگی مشترک دامن زده و معیارهای رضامندی آنان را سختگیرانه و غیر واقع‌بینانه می‌کند. این افراد ممکن است در هنگام انتخاب همسر و نیز در تعامل با او در زندگی مشترک به کامل‌گرایی و پروریدن انتظارهای غیرمنطقی و زیاده‌خواهانه گرفتار شوند؛ همچنانکه ممکن است در مرحله انتخاب همسر سهل‌انگاری کرده و بدون درنظر گرفتن معیارهای صحیح، و صرفاً بر اساس هیجان‌های گذرا تصمیم بگیرند.

۴- کاهش رغبت به ازدواج و کاهش نرخ باروری

یکی دیگر از پیامدهای گرایش جوانان به ارتباط‌های مجازی، کاهش رغبت به ازدواج و در نتیجه کاهش نرخ باروری، پیری جمعیت و کاهش جمعیت جوان کشور است. این مسئله البته از مسائل بسیار مهم در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی، اقتصادی و امنیتی است که در سطح کلان سیاست‌گذاری‌های ملی باید به آن توجه شده و برای آن چاره‌جویی شود.

۵- آسیب‌های جدی روانی و اجتماعی

ارتباط‌های عاطفی ـ جنسی در فضای مجازی غالباً به آسیب‌های جدی روانی و اجتماعی منتهی می‌شود. بسیاری از دخترانی که در فضای مجازی گرفتار دوستی با پسران می‌شوند، پس از قطع ناگهانی ارتباط و ناکامی در رسیدن به اهداف خیال‌انگیز خود، دچار افسردگی، احساس حقارت، احساس سوءاستفاده شدن، احساس تنفر از خود و جنس مخالف و خشم مداوم می‌شوند. این امر به سلامت روانی، احساس عزت نفس، اعتماد به نفس و شخصیت آنان آسیب می‌زند و ممکن است زمینه‌های برخورداری از زندگی سالم، موفق و رضایت‌بخش خانوادگی و اجتماعی را از آنان سلب کند. برخی از دختران از طریق دوستی‌های مجازی، در دام روابط واقعی گرفتار می‌شوند و مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند. موارد متعددی از تجاوز به عنف، قتل، آدم ربایی وجود دارد که نقطه آغاز آن آشنایی و دوستی در فضای مجازی است. مسلماً دخترانی که به این گونه آسیب‌ها گرفتار می‌شوند، فرصت ازدواج سالم و رضایت‌بخش را از دست می‌دهند و ممکن است برای همیشه به الگوهای رفتاری نابهنجار و پلیدی مثل فاحشه‌گی سوق داده شوند. اعتیاد به مواد مخدر، گرفتار شدن در دام گروه‌های انحرافی عقیدتی، به خصوص گروه‌های مروج فمنیسم، از دیگر آسیب‌های مهم و خطرناک ورود غیرهدفمند و مدیریت‌ناشده در شبکه‌های اجتماعی است. تأثیرگرفتن از نگرش‌های فمینیستی، ضدمرد و ضدخانواده که متأسفانه در فضای بی‌در و پیکر مجازی به وفور در دسترس است، از دیگر علل کاهش رغبت دختران به ازدواج و از عوامل مهم تعارض‌ها و اختلافات خانوادگی پس از ازدواج به شمار می‌رود.

راهکارهای پیشگیری و درمان

امروزه همه صاحب‌نظران در حوزه مسائل اجتماعی اتفاق نظر دارند که کاهش نرخ ازدواج، بالا رفتن سن ازدواج جوانان، به ویژه دختران و رشد نرخ طلاق، از معضلات جدی جامعه ماست و اگر برای رفع و ساماندهی آن مطالعه و چاره‌جویی نشود، می‌تواند به بحرانی اجتماعی تبدیل شود. همه می‌دانند که بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی جامعه، ناشی از مشکلات و موانعی است که بر سر راه ازدواج به هنگام، مناسب و آسان جوانان وجود دارد. ازاین‌رو در کنار تبیین علل، تشریح پیامدها و آثار منفی این معضلات باید به فکر چاره‌جویی و شناخت و به کار گیری راهبردها و راهکارهای اصلاحی کوتاه‌مدت و بلندمدت باشیم. در بخش پایانی این نوشتار به پاره‌ای از راهبردها و راهکارهای لازم برای مواجهه صحیح و سازنده با معضل اجتماعی کاهش رغبت جوانان به ازدواج و گرایش به دوستی‌ها و روابط مجازی اشاره می‌کنیم.

الف- رفع موانع و مشکلات اقتصادی در مسیر ازدواج به موقع جوانان

تردید نداریم که مشکلات اقتصادی، از قبیل فقدان مسکن ارزان و مناسب، معضل بیکاری و فقدان زمینه‌های اشتغال مناسب و متناسب با علاقه و تخصص جوانان و در دسترس نبودن تسهیلات لازم برای ازدواج، از مهم‌ترین عوامل سخت‌افزاری کاهش نرخ ازدواج جوانان است. حل چنین مشکلاتی در سطح ملی، عزم ملی می‌طلبد و به سامان‌کردن آن تنها در قدرت دولت‌ها نیست؛ هرچند دولت‌ها سهم مهم و بزرگی در ساماندهی و مدیریت این مسائل دارند. بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، قوای مجریه و مقننه وظیفه بزرگی در سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، مدیریت و اجرای طرح‌های زیرساختی تسهیل ازدواج دارند. تولید مسکن و ایجاد زمینه‌های مناسب و متناسب اشتغال و فراهم آوردن تسهیلات لازم برای ترغیب و تشویق جوانان به سوی ازدواج، نخست بر عهده مجلس و دولت است. به یاد داریم که دولت نهم و دهم چگونه به کالای راهبردی مسکن توجه ویژه‌ای مبذول داشت و در فرصت ۸ ساله آن دولت، میلیون‌ها خانه ساخته به نیازمندان واگذار شد. دولت‌های پس از آن هم باید همواره به موضوع ساخت مسکن و اشتغال جوانان، به عنوان تکلیفی مستمر و ضروری نگریسته و نسبت به برنامه‌ریزی و تحقق آن اهتمام جدی داشته باشند.

ب- اصلاح فرهنگی دیدگاه‌های غلط درباره ازدواج

تغییر نگرش‌های فرهنگی، دگرگونی انتظارات و تحول در نظام نیازها از دیگر اموری است که به گونه چشم‌گیری بر موضوع ازدواج جوانان تأثیر می‌گذارد. امروزه به سبب تحولاتی که در سبک زندگی انسان‌ها روی داده و زندگی را از لحاظ شکل و محتوا دگرگون ساخته، نگرش‌ها و انتظارات نیازهای انسان‌های امروز را با نسل‌های گذشته متفاوت کرده است. به نظر بخشی از تحول‌ها، مثبت و بخشی منفی و آسیب‌زاست و جز مشقت و پیچیدگی در مسیر زندگی انسان‌ها اثری نداشته و ندارد. ازدواج و تشکیل خانواده، به مثابه زیربنایی‌ترین نهاد تأثیرگذار در زندگی انسان‌ها، بیشترین تأثیر را از این واقعیت داشته و آثار مثبت و منفی آن به خوبی قابل مشاهده و تجربه است. به عنوان نمونه‌ای از تحولات مثبت می‌توان به این واقعیت اشاره کرد که مثلا در گذشته کتاب‌های محدودی درباره روان‌شناسی خانواده و راهبردها، تکنیک‌ها و مهارت‌های ارتباط مؤثر و سبک‌های فرزندپروری وجود داشت و اطلاعات افراد از مسائل مهم زندگی، به خصوص مهارت‌های خودشناسی، همسر شناسی و ارتباط مؤثر، معمولا در حد شنیده‌هایی بود که گوش به گوش و زبان به زبان از بزرگ‌ترها به آنها می‌رسید. اما امروزه کتاب‌های بسیار متنوع و مفید، مراکز متعدد مشاوره و انواع خدمات پیش و پس از ازدواج وجود دارد که می‌تواند همسران و خانواده‌ها را در ارتقاء بهداشت اخلاقی و تربیتی محیط خانواده و حل معضلات و نابسامانی‌های زندگی یاری دهد. متأسفانه در برابر تحولات مثبت، دگرگونی‌های منفی و مشکل‌آفرین هم فراوان مشاهده می‌شود. در جامعه کنونی ما نگرش‌ها، ارزش‌ها، انتظارات و نیازهایی پدید آمده یا تشدید شده است که زندگی را پیچیده‌تر، سخت‌تر و رسیدن به اهداف سالم و مطلوب را با پیچ و خم‌های زیادی مواجه کرده است. مسائلی که دستیابی به آرامش، رضامندی، احساس خوشبختی و موفقیت را در هاله‌ای از ابهام و دور از دسترس انسان‌ها قرار می‌دهد. مثلا انتظارات حداکثری از ازدواج برای رفع همه نیازهای فردی (تصمیم بر اساس علل نه دلائل برای انتخاب همسر)، باور به لزوم مهیابودن همه لوازم و ابزارهای رفاهی، مانند مسکن، خودرو، انواع لوازم منزل و... از ابتدای زندگی، اهمیت دادن به مقوله عشق پیش از ازدواج و گسترش روزافزون دوستی دختر و پسر و ازدواج‌های احساسی، بهادادن غیرواقع‌بینانه به تحصیلات بالا و منزلت اجتماعی همسر و خانواده او، و در مقابل، بی‌اعتنایی به معیارهای دینی، اخلاقی، شخصیتی و رفتاری، تضعیف روزافزون نقش حمایتی و فکری خانواده در انتخاب همسر و مسائل پس از ازدواج، انواع رسوم‌ها و آداب نو به نویی که هر از گاه پیدا می‌شود و به سبب چشم و هم‌چشمی‌های افسارگسیخته، فرایند ازدواج را دشوارتر می‌کند و... پاره‌ای از مشکلات و مسائلی است که امروزه پیچیدگی‌ها و دشواری‌های زیادی را در پیش پای جوانان قرار داده و نه تنها رغبت به ازدواج و موفقیت در انتخاب مطلوب همسر را کاهش داده، بلکه به نابسامانی و اختلال در روابط زوجین پس از ازدواج هم دامن زده و می‌زند. از این رو رفع مشکلات و مسائلی که در مسیر ازدواج جوانان وجود دارد، به یقین نیازمند کارهای فرهنگی گسترده و عمیق از سوی همه نهادها و مراکز و شخصیت‌های تأثیرگذار و بهره‌جستن از همه ظرفیت‌های فرهنگی و فرهنگ‌ساز است. همه رسانه‌ها و مراکزی که به نحوی در ارتباط با فرهنگ‌سازی، ایفای نقش می‌کنند، می‌بایست اصلاحات فرهنگی جامعه در حوزه ازدواج و زندگی مشترک را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده و در این خصوص، سبک زندگی صحیح و عاقلانه و اسلامی را به خانواده‌ها و جوانان آموزش دهند. ازدواج آسان، وانهادن سخت‌گیری‌های غیرضروری و ناعاقلانه در مسائل مادی، از میان‌برداشتن آداب و رسوم دست و پاگیر و زائد، تنظیم انتظارات خانواده‌ها از عروس و داماد، توجه به معیارهای اخلاقی، شخصیتی و دینی، به جای تمرکز بر ملاک‌های مادی، اقتصادی و اجتماعی، نگرش انسانی به موضوع ازدواج و دیگر مسائل فرهنگی و رفتاری مرتبط با موضوع ازدواج، باید از خطوط اصلی کارهای فرهنگی و در صدر راهبردهای مهم مبارزه با تهاجم فرهنگی قرار گیرد. مرور آموزه‌های اسلامی در قرآن کریم و سنت پیشوایان دین، به خوبی نشان می‌دهد که از نگاه اسلام، ازدواج به‌هنگام و عاقلانه مهم‌ترین راهبرد پیشگیری و رفع مشکلات و آسیب‌های فردی و اجتماعی است و در این راستا طرح‌ها، توصیه‌ها و الگوهایی ارائه شده است. اکنون به خوبی می‌دانیم که یکی از عوامل مهم بی‌حجابی و نمایش‌گری برخی از بانوان در محیط اجتماع، بالا رفتن سن و کاهش فرصت ازدواج دختران است. دخترانی که سن ازدواج‌شان به تأخیر می‌افتد، ممکن است ترس و نگرانی از مجرد ماندن آنان را به سوی بدحجابی سوق دهد تا با نمایش زیبایی‌های خود مردان را جذب کرده و برای ازدواج فرصتی پیدا کنند.

ج- آموزش سبک زندگی اسلامی ـ ایرانی از سنین پیش دبستانی

مسئله آموزش سبک زندگی اسلامی ـ ایرانی چه در حوزهٔ دانش‌ها و چه در قلمرو مهارت‌ها، باید از همان دوران مهدکودک و پیش‌دبستانی در دروس و برنامه‌های نظری و عملی دانش‌آموزان گنجانده شده و پا به پای تحول شناختی و بالا رفتن سن و سطح تحصیلی، عمق، غنا و گستره لازم را پیدا کند. فرزندان این مرز و بوم باید از همان دوران کودکی و آغاز رشد شناختی و اجتماعی، با مسائل مهم زندگی، همطراز با قدرت شناخت فهم و تحلیل خود آشنا شوند و آنقدر شیوه‌های صحیح زندگی برایشان تکرار شود که تا سن ۱۸ سالگی، ملکه ذهن و قلب آنان شده و جهت‌گیری‌های مهم زندگی آنها را هدایت کند. دانش‌آموزان باید به صورت نظری و عملی با آسیب‌های اجتماعی در همه جلوه‌ها (و از جمله فضای مجازی) آشنا شده و راهبردها و راهکارهای مقابله‌ای لازم را فرا گیرند؛ همچنانکه باید راهبردها، راهکارها و الگوهای سالم و بهنجار برای آفریدن زندگی با معنا، اخلاقی، خداپسندانه، موفق و هدفمند را بیاموزند و عملا محقق کنند. فضای مدرسه باید بهترین فرصت یادگیری و تمرین سبک زندگی اسلامی - ایرانی باشد و فرزندان ما تا رسیدن به دهه سوم زندگی مسیر صحیح زندگی را پیدا کرده باشند. در این راستا استفاده بهینه و حداکثری ازظرفیت خانواده‌ها و هماهنگی میان مدرسه و خانه، معلم و والدین اهمیت برجسته‌ای دارد. برانگیختن احساس مسئولیت والدین، خصوصا پدران، و برگزاری جلسات متناوب و مستمر برای رایزنی میان مسئولان مدرسه، به‌ویژه معلمان با والدین، برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای پدران و مادران و دانش‌آموزان و معلمان و تقویت برنامه‌های فرهنگی، مثل اردوهای هدفمند و برنامه‌ریزی شده، تقویت رابطه مدرسه و حوزه علمیه، با هدف نزدیک‌سازی دانش‌آموزان با عالمان دینی و... بخشی از راهبردها و راهکارهایی است که می‌تواند به توانمندسازی نسل نوجوان و جوان در حل صحیح و موفق مسائل زندگی و مصون‌ماندن از انحرافات و آسیب‌ها یاری رساند. متأسفانه نظام آموزشی حافظه محور و شلوغ سطوح تحصیلی در کشور ما، زمینه آموزش و فراگیری دانش‌ها و مهارت‌های ضروری و سودمند زندگی را از دانش‌آموزان می‌ستاند و تقریباً هیچ آمادگی مطلوبی را در شخصیت و رفتار آنها برای ورود به عرصه زندگی جدی و پیچیده اجتماعی امروز ایجاد نمی‌کند. فعالیت عالمانه، دقیق و سازنده در این عرصه نیازمند برنامه‌ریزی، مطالعه، تحقیق و تلاش مداوم همه نهادها، سازمان‌ها و مراکز مسئول، خصوصاً وزارت آموزش و پرورش است.